

رابطه‌ی بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه^۱ با پرخاشگری

افرادى که به دنیای عادلانه تعلق خاطر دارند، از مسند مهارگری درونی برخوردار می‌باشند، اخلاق کارى نیرومندترى را از خود نشان می‌دهند، ارزش‌های سیاسى محافظه کارانه‌ترى دارند و نمره‌های بالاترى در رضایت از زندگى و نمره‌های پایین‌ترى در افسردگى و اضطراب کسب می‌کنند. اما افرادی که دارای باور نیرومند به دنیای عادلانه نیستند، از زندگى خود رضایت کمتری دارند، نشانه‌های نارسایى روان‌شناختى مانند افسردگى و اضطراب در آن‌ها دیده می‌شوند و مسند مهارگری آن‌ها کمتر درونى است (فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹). یکى از کنش‌های^۲ بسیار مهم باور به دنیای عادلانه این است که توانایى مفهوم بخشیدن به وقایع منفى جهان اجتماعى را در انسان‌ها به وجود می‌آورد. این سبک تبیین^۳، جنبه‌ی سازشى^۴ دارد، زیرا از افراد در مقابل احساس آسیب‌پذیرى در برابر

انسان‌ها نیازمند درک دنیای اجتماعى خویشتن به‌عنوان مکانى قابل‌پیش‌بینى، منظم و استوار هستند. چنین درکى به افزایش مهار محیط^۵، انگیزش^۶، خوداتربخشى^۷، حرمت خود^۸، سلامت روانى و ممنوعیت‌هنجاری^۹ رفتارهای مختلف منجر می‌شود. از جمله باورهایی که انسان‌ها در خزانه‌ی ذهنى خود جای داده‌اند، باور به دنیای عادلانه است که در ادراک نظم و استوارى جهان اجتماعى نقشى غیر قابل‌انکار ایفا می‌کند. این باورها دارای این دورن‌مایه‌ی ذهنى هستند که افراد خوب با رویدادها و پیامدهای خوب و افراد بد با رویدادها و پیامدهای بدمواجه‌می‌شوند، بنابراین هر کس مسئول چیزى است که نصیبش می‌شود (گل‌پرور، کامکار و جوادی، ۱۳۸۶).

گردآوری و تنظیم از فرزانه اسلامى
کارشناس ارشد روان‌شناسى کودکان استثنایى
دکتر محسن گل‌پرور
سرور خاکسار
فلور خیاطان

کلیدواژه‌ها: باور، پرخاشگری، احساس آسیب‌پذیرى، عادلانه، ناعادلانه.

در شرایط چالش‌انگیز، واکنش انسان‌ها نسبت به تهدیدی که از جانب محیط متوجه آن‌ها می‌شود، متفاوت است

و خصومت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، منفی و معنادار است. به دلیل ارتباط بالنسبه قابل توجه خشم و خصومت، زمانی که خصومت مهار می‌شود، رابطه‌ی خشم با باور به دنیای عادلانه معنادار باقی می‌ماند و در زمان مهار خشم، رابطه‌ی باور به دنیای ناعادلانه فقط با خصومت معنادار است. بنابراین نتیجه اصلی حاصل از این پژوهش آن است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در حوزه‌ی پرخاشگری نیز دارای کنش‌های مختلف است. هرچه افراد به دنیای عادلانه تعلق خاطر بیشتری داشته باشند به همان میزان از انجام رفتارهای پرخاشگرانه اجتناب می‌کنند. در واقع هرچه افراد، دنیا را ناعادلانه‌تر تلقی کنند سطح خصومت آن‌ها بالاتر می‌رود. بنابراین براساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان این نکته را مطرح کرد که افزایش باور به دنیای عادلانه به کاهش خشم و خصومت و افزایش باور به دنیای ناعادلانه، به افزایش خشم و خصومت منجر می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که باور به دنیای عادلانه دارای کنش هیجانی متعادل و مهار خشم و خصومت بوده، اما باور به دنیای ناعادلانه دارای کنش افزایش خشم و خصومت مبتنی بر بدگمانی و منفی‌نگری است.

پی‌نوشت

1. ajust and an unjust world
2. Gontrol over the invironment
3. motivation
4. self-efficacy
5. self-esteem
6. norms prohibition
7. functions
8. explanatory style
9. adaptive
10. stress

پرخاشگری (پرخاشگری جسمانی، کلامی، خشم و خصومت) رابطه دارد؟
- آیا باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، خشم، خصومت، پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری کلامی را پیش‌بینی می‌کند؟

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. از بین زنان و مردان ۱۶ سال به بالای ساکن شهر اصفهان در بهار ۱۳۸۶ یک نمونه‌ی ۴۵۰ نفری از طریق نمونه‌برداری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

- مقیاس باور به دنیای عادلانه ← یک مقیاس ۲۰ سؤالی و دارای شهرت جهانی است (برای جزئیات بیشتر به دالبرت، لیکوس، سالی و گوچ، ۲۰۰۱ مراجعه کنید). باور به دنیای عادلانه با ۱۱ سؤال و باور به دنیای ناعادلانه با ۹ سؤال و براساس مقیاس هفت درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا، کاملاً موافقم = ۷) اندازه‌گیری می‌شود.

- پرسش‌نامه باس و پری ← برای سنجش پرخاشگری از پرسش‌نامه باس و پری (۱۹۹۲) نسخه ژاپنی (برگرفته از ناکانو، ۲۰۰۱) که به نظر می‌رسید تناسب بیشتری با فرهنگ آسیایی داشته باشد، استفاده شد. این پرسش‌نامه دارای ۲۹ سؤال و چهار زیرمقیاس پرخاشگری جسمانی (۹ سؤال)، پرخاشگری کلامی (۵ سؤال)، خشم (۷ سؤال) و خصومت (۸ سؤال) است و در مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

شواهد حاصل از بررسی همبستگی‌ها نشان داد که بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ابعاد پرخاشگری کلامی و جسمانی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد، اما رابطه‌ی بین ابعاد خشم

حوادث منفی محافظت می‌کند. در واقع هر اندازه باور نسبت به دنیای عادلانه بیشتر باشد، احساس آسیب‌پذیری در برابر گستره‌ی وسیع تهدیدهایی که در جهان اجتماعی وجود دارد، کمتر است (اسکات، ۲۰۰۸).

به طور کلی وقتی افراد، جهان را فاقد عدالت و انصاف می‌بینند اغلب احساس اضطراب، تنیدگی^{۱۰} و آسیب‌پذیری می‌کنند و نشانه‌های نابسامانی روانی مانند اضطراب، بی‌خوابی، افسردگی، تمایل به خودکشی و همچنین سوءظن، بدگمانی و رفتارهای پرخاشگرانه و غیرمنطقی در آن‌ها به وجود می‌آید.

پژوهش‌های چند دهه‌ی گذشته در باب تفاوت‌های فردی در رفتار پرخاشگرانه نیز به نقش باورهای افراد نسبت به پدیده‌های مختلف توجه داشتند، به نظر می‌رسد که وقتی فرد به جای دنیای عادلانه به دنیای ناعادلانه باور دارد، توانایی مهار و کاهش خشم و پرخاشگری خود را از دست می‌دهد. در شرایط چالش‌انگیز، واکنش انسان‌ها نسبت به تهدیدی که از جانب محیط متوجه آن‌ها می‌شود، متفاوت است. این واکنش‌ها از یک‌سو با جهت‌گیری باور و از سوی دیگر با میزان شدت و نیرومندی این باورها مرتبطانند. یعنی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه نه تنها تعیین‌کننده‌ی نوع واکنش انسان‌ها نسبت به محیط است، بلکه نیرومندی و شدت آن است که شیوه‌ی مقابله‌ی افراد را تعیین و مشخص می‌کند که آیا فرد در مقابله با شرایط پیش‌رو، واکنش‌های فعل‌پذیر مانند افسردگی، اضطراب و ناامیدی نشان خواهد داد و یا رفتارهای فعال مقابله‌ای و جسارت را در پیش خواهد گرفت. بنابراین در این پژوهش به منظور بررسی رابطه‌ی ابعاد پرخاشگری مانند پرخاشگری کلامی، جسمانی و خصومت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، پرسش‌هایی که در پی می‌آیند، مطرح شده‌اند:

- آیا باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ابعاد